

## Some Peculiar Traits Common to Certain Persian and Other Western Iranian Dialects as Reflected in the Language of A. Ansari's *Tabaqāt al-Sūfiyyih*

Youli A. Ioannesyan<sup>1</sup>

PhD Candidate, Senior Researcher of the Department of Middle Eastern and Near Eastern Studies, IOM RAS

Received: May 07, 2025 ✦ Revised: July 04, 2025

Accepted: July 08, 2025 ✦ Published Online: November 16, 2025

### How to cite this article:

Ioannesyan, Y. A. (2025). *Some Peculiar Traits Common to Certain Persian and Other Western Iranian Dialects as Reflected in the Language of A. Ansari's Tabaqāt al-Sūfiyyih*. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 17 (3), 1–18. (in Persian with English abstract)

<https://doi.org/10.22067/jlkd.2025.92719.1313>

### Abstract

The study considers certain peculiarities shared by a number of western Iranian dialects, which are not observed in the three modern literary forms of New Persian: literary Iranian Persian (Farsi), Afghan Persian (Dari), and Tajiki. The present author has previously conducted detailed research on the Herati dialect based on field research in Afghanistan and, after comparing the said dialect with other Khorasani dialects (common in Iran), has identified common features of Khorasan Persian dialects. In the course of the present author's research on these dialects, it became evident that some of these peculiar features go back to Medieval Times and are attested by an 11<sup>th</sup> century treatise, *Tabaqāt al-Sūfiyyih*, consisting of utterances of A. Ansari, the outstanding mystic and commentator of the Qur'an, and its language reflects some traits of the old Herati dialect. The language of the treatise was studied by the famous iranologist W. A. Ivanow. But until now, no attempt has been made to consider the characteristics of the language of the treatise from the perspective of modern dialectology. Filling the gap, this study analyzes some common features of Khorasani Persian dialects, including Herati and Sistani, Tati dialects in the Caucasus, the dialects of Central Iran spoken by the Zoroastrians, and some other dialects in relation to the language of the *Tabakat al-Sufiyyah*. The dialectal features examined in this article include the use of the third person/demonstrative pronoun enclitically, the use of the preposition *xod/xode* (with different phonetic variants) meaning "with", and the use of the verb suffix *-i/-ê*, which is considered a "continuous suffix".

**Keywords:** Iranian Studies, Persian Dialectology, Iranian Dialectology, Comparative Dialectology, Khorasani Dialects.

1. Email: [youli19@gmail.com](mailto:youli19@gmail.com)





<https://doi.org/10.22067/jlkd.2025.92719.1313>

برخی از صفات خاص مشترک در بعضی از گویش‌های فارسی و دیگر گویش‌های ایرانی غربی که در

## زبان «طبقات الصوفیه» ع. انصاری منعکس شده‌اند

یولی آ. ایوانسیان

پژوهشگر ارشد بخش خاور نزدیک و میانه در انستیتوی نسخ خطی شرقی فرهنگستان علوم روسیه، سن-پترزبورگ، روسیه<sup>۱</sup>

صص ۱-۱۸

ارجاع به این مقاله:

ایوانسیان، ی. آ. (۱۴۰۴). «برخی از صفات خاص مشترک در بعضی از گویش‌های فارسی و دیگر گویش‌های ایرانی غربی که در زبان «طبقات الصوفیه» ع. انصاری منعکس شده‌اند»، زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ۱۷ (۳)، صص ۱-۱۸.

<https://doi.org/10.22067/jlkd.2025.92719.1313>

چکیده

مقاله حاضر به بررسی ویژگی‌های مشترک بعضی از گویش‌های ایرانی غربی می‌پردازد که در سه نوع فارسی ادبی معاصر: فارسی ادبی ایرانی (فارسی معیار)، فارسی افغانی (دری) و تاجیکی مشاهده نمی‌شوند. نویسنده حاضر قبلاً پژوهش مفصلی درباره لهجه هراتی بر اساس تحقیق میدانی در افغانستان انجام داد و بعد از مقایسه لهجه مذکور با لهجه‌های دیگر خراسانی (رایج در ایران) ویژگی‌های مشترک لهجه‌های فارسی خراسان را مشخص کرده است. در ادامه تحقیق مؤلف حاضر درباره این لهجه‌ها آشکار شد که بعضی از این ویژگی‌ها به قرون وسطی برمی‌گردند و رساله قرن یازدهم میلادی «طبقات الصوفیه» مشتمل بر سخنان ع. انصاری، عارف و مفسر برجسته قرآن که زبانش برخی از صفات گویش قدیم هراتی را منعکس می‌کند به آن‌ها گواهی می‌دهد. زبان این رساله توسط ایران‌شناس معروف و آ. ایوانوف<sup>۲</sup> مورد مطالعه قرار گرفت؛ اما تاکنون هیچ تلاشی برای بررسی ویژگی‌های زبان آن رساله از منظر گویش‌شناسی مدرن صورت نگرفته است. پژوهش حاضر که این خلأ را پر می‌کند، بعضی از ویژگی‌های مشترک گویش‌های فارسی خراسانی از جمله هراتی و گویش سیستانی، گویش‌های تاتی در قفقاز و گویش‌های ایران مرکزی که زردشتیان به آن تکلم می‌کنند و برخی دیگر از گویش‌ها را در ارتباط با زبان «طبقات الصوفیه» تحلیل می‌کند. ویژگی‌هایی که در مقاله حاضر بررسی شده‌اند عبارتند از: ضمیر سوم شخص/ضمیر اشاره به صورت ضمیر پیوسته، استفاده از حرف اضافه xod/xode (با انواع آوایی مختلف) به معنی «با» و کاربرد پسوند فعلی -i/-e که «پسوند استمراری» محسوب می‌شود. کلیدواژه‌ها: لهجه‌شناسی ایرانی و فارسی، لهجه‌شناسی تطبیقی، مطالعات زبان‌های ایرانی، گویش‌های خراسانی.

## ۱. مقدمه

تعداد قابل توجهی از گویش‌های گروه ایرانی، عمدتاً از زیرگروه جنوب غربی، هم فارسی و هم سایر گویش‌ها در ایران و سرزمین‌های مجاور، با ویژگی‌های مشترکی مشخص می‌شوند که در سه نوع زبان فارسی ادبی - فارسی رسمی در ایران، دری و تاجیکی - موجود نیستند. وجود این ویژگی‌ها یا گرایش‌ها به پیدایش آن‌ها در آینده، حداقل در گویش هرات، چنین اثری اوایل قرون وسطی مانند «طبقات الصوفیه» نشان می‌دهد که زبان آن نمایانگر برخی از ویژگی‌های گویش هراتی زمان خود است که بعضی از آن‌ها تا به امروز در آن حفظ شده‌اند. «طبقات الصوفیه» مشتمل بر شرح حال بزرگان صوفیه، احتمالاً توسط یکی از شاگردان شیخ عبدالله انصاری از قول استادش نوشته شده است (۱۹۶۳، ص. ۱۱۰). «پیر بزرگ هرات»، عارف، صاحب نثر و منظوم، مفسر قرآن، ع. انصاری که مقبره او در هرات قرار دارد، در قرن یازدهم میلادی می‌زیسته و فعالیت می‌کرده است. ژ. لازار اهمیت «طبقات الصوفیه» را برای زبان‌شناسی و گویش‌شناسی ایرانی چنین توصیف می‌کند:

«این یک منبع مهم برای مطالعه زبان به دلیل ویژگی‌های گویشی متعددی است که دارد... این ویژگی‌های گویشی به این سبب جالب‌تر هستند که محلشان دقیقاً معلوم است... این حقیقتی است که آن شخصی که تمام عمر خود را در هرات گذرانده و به تدریس پرداخته است، به زبان فارسی آن شهر بیان کرده است. جامی نیز این مطلب را تأیید می‌کند که «طبقات» به زبان قدیم هرات سروده شده است. این اثر... سند بسیار ارزشمندی برای گویش‌شناسی زبان فارسی در دوره اولیه است» (۱۹۶۳، ص. ۱۱۰).

مقاله بزرگ و پرمحتوای و. ایوانوف: «طبقات انصاری به زبان قدیم هرات»<sup>۱</sup> به زبان این اثر اختصاص دارد. ایران‌شناس مشهور روس، یکی از متخصصان برجسته جهان در زمینه زبان، قوم‌شناسی، مذهب و فرهنگ ایران، و. ایوانوف، دانش واقعاً منحصر به فردی از گویش‌های ایرانی داشت که بخش قابل توجهی از زندگی خود را وقف جمع‌آوری و مطالعه آن‌ها کرد. توانایی نادر در نفوذ عمیق در تاروپود زبان فارسی و گویش‌های ایرانی به این محقق برجسته این امکان را داده بود که در مقاله‌ای بدون نادیده گرفتن کوچک‌ترین جزئیات، مشخصات و ویژگی‌های زبان آثار مذکور را به‌طور کامل آشکار کند.

اگرچه هدف گویش‌شناسی در درجه اول ثبت و بررسی وضعیت معاصر گویش‌ها به‌عنوان جزء مهم میراث معنوی مردم است، اما با نگاهی وسیع‌تر می‌توان این پرسش‌ها را نیز مطرح کرد که تعامل گویش‌های محلی و زبان ادبیات کلاسیک فارسی و اثر متقابل بین آن‌ها در طول تاریخ چگونه بوده است و همچنین آیا بعضی ویژگی‌های خاص در زبان کلاسیک تحت تأثیر گویش‌های محلی پیدا شده بودند؟ این پرسش‌ها با توجه به نقش ویژه‌ای که خراسان در روند شکل‌گیری زبان ادبیات کلاسیک فارسی داشته است، در مورد گویش‌شناسی خراسان از اهمیت خاصی برخوردارند. داده‌هایی که محققان امروزی در اختیار دارند به ما اجازه نمی‌دهند که به سؤالات مذکور دقیقاً پاسخ دهیم، اما سائلی مانند «طبقات الصوفیه» همراه با بررسی و تحلیل وضعیت معاصر گویش‌ها پرده را از روی این مسائل کمی برمی‌دارند.

قبل از اینکه به برخی از این ویژگی‌های خاص که در هراتی امروزی و تعدادی از گویش‌های دیگر حفظ شده‌اند پردازیم لازم به ذکر است که هراتی لهجه‌ای است که ساکنان تخته‌نشین ولایت هرات افغانستان هم‌مرز با ایران به آن صحبت می‌کنند. این گویش همراه با لهجه‌های شمال شرقی ایران به گروه گویش‌های فارسی خراسان تعلق دارد و با گویش‌های دری افغانستان و تاجیکی آسیای مرکزی تفاوت چشم‌گیری دارد.

پژوهش حاضر نشان داده است که بعضی از ویژگی‌های گویش هراتی و دیگر گویش‌های خراسانی نه‌فقط به اوائل قرون وسطی برمی‌گردند، بلکه از نظر جغرافیایی شامل مناطق هم‌جوار خراسان و دور از خراسان نیز هستند. پرسش اصلی که در روند این بررسی با آن مواجه شدیم، این بود که بفهمیم کدامیک از ویژگی‌های زبان «طبقات الصوفیه» تا به امروز در گویش‌های خراسان حفظ شده است. در نتیجه پژوهش حاضر این ویژگی‌ها شناسایی شده‌اند و گویش‌های خارج از خراسان که دارای این ویژگی‌ها نیز هستند، مشخص شده‌اند.

## ۲. پیشینه پژوهش

نگارنده مقاله حاضر در تحقیقات قبلی خود ثابت کرده است که گویش‌های گروه خراسانی فارسی جایگاه خاصی در پیوستار زبانی/گویشی فارسی - دری - تاجیکی دارند و این گروه را بر اساس ویژگی‌های زبانی و موقعیت جغرافیایی خود در پیوستار مذکور باید به‌عنوان «گروه مرکزی» دانست؛ زیرا مشترکات و تفاوت‌های آن با دو گروه دیگر - غربی (گویش‌های فارسی ایران غربی و مرکزی) و شرقی (گویش‌های تاجیکی آسیای میانه و دری افغانستان به‌استثنای ولایت هرات) تقریباً برابرند. در ضمن ثابت شده است که گویش‌های خراسانی ویژگی‌ها و مشخصات خاصی نسبت

به دو گروه دیگر مذکور هم دارند که در آثار قبلی نگارنده مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ادبیات کلاسیک فارسی نشان می‌دهد که برخی از این ویژگی‌ها در آثار کلاسیک موجود هستند که دلیل بر آن است که حداقل بعضی از این ویژگی‌ها به دوران قرون وسطی برمی‌گردند. یکی از چنین آثار «طبقات الصوفیه» انصاری است که در مقاله حاضر از نظر ویژگی‌های زبانی بر اساس اثر و. ایوانوف «طبقات انصاری به زبان قدیم هرات» (۱۹۲۳) مورد مطالعه قرار گرفته است. اثر مذکور از دیدگاه گویش‌شناسی خراسان نیز مورد توجه است و نظریات مؤلف در آن، مملو از مشاهدات مبتنی بر تحقیقات میدانی و. ایوانوف است. او به شیوه خاص خود ویژگی‌های زبان «طبقات الصوفیه» را با جزئیات شرح می‌دهد و ظرافت‌ها را نادیده نمی‌گیرد. توصیف و. ایوانوف بعداً امکان شناسایی آن دسته از ویژگی‌های گویش هراتی و برخی دیگر از گویش‌های فارسی را که تا به امروز در آن‌ها حفظ شده‌اند، فراهم کرد. اثر دیگر ایوانوف که در مقاله نگارنده حاضر مورد استفاده قرار گرفته است «فارسی آنگونه که در بیرجند به آن صحبت می‌شود» (۱۹۲۸)<sup>۱</sup> می‌باشد. این اثر شامل مطالب غنی فولکلور است که در منطقه (روستاهای اطراف) شهر بیرجند در سال‌های ۱۹۱۲-۱۹۱۳ از طرف و. ایوانوف جمع‌آوری شده است. مرزهای جغرافیایی آن منطقه توسط مرزهای سرزمین‌های مجاور شهر بیرجند و اطراف آن مشخص شده بود: قاین، زیرکوه، سنی‌خانه و نهبندان. متون گویشی شامل افسانه‌ها و داستان‌های کوتاه و همچنین رباعی‌ها، ترانه‌های عروسی و لالایی‌ها می‌باشند. مقاله دستوری به ویژگی‌های گویش خراسان جنوبی اختصاص دارد. این اثر همچنین حاوی اطلاعاتی درباره روستاهای دره بیرجند و مناطق مجاور آن است.

هم‌زمان با انتشار آثار اصلی ایوانوف در مورد گویش‌شناسی خراسان، اثر ه. مسسه «داستان‌هایی به زبان فارسی عامیانه» (۱۹۲۵)<sup>۲</sup> منتشر شد که مجموعه متونی به گویش مشهدی بود که مؤلف جمع‌آوری کرده بود. این متون از یک گویشور باسوادی نوشته شده بود که تسلط کاملی بر گویش خود داشت. آن‌ها شامل بیست‌وهفت داستان و حکایت بزرگ و کوچک و دو رباعی با آوانگاری دقیق لاتین و توضیحات مختصر دستوری هستند که ایده روشنی از گویش ارائه می‌دهند.

از میان مطالعات جدیدتر در مورد گویش‌های خراسان که در مقاله حاضر به آن‌ها اشاره شده است، کتاب ج. رضایی تحت عنوان «بررسی گویش بیرجند: واج‌شناسی - دستور» (۱۳۷۷) شایسته ذکر ویژه‌ای است. کتاب مذکور

1. Persian as spoken in Birjand.  
2. Contes en Persan Populaire.

پژوهش مفصلی در مورد گویش بیرجندی است.

در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۸۱ میلادی نویسنده این مقاله مطالبی برای پژوهش زبان‌شناسی درباره گویش هراتی در افغانستان جمع‌آوری کرد: متونی با مضامین روزمره، افسانه‌ها، دیالوگ‌ها، رباعی‌ها و غیره. این متون عمدتاً از ساکنان بومی بی‌سواد و نیمه‌سواد (مردان ۱۸ تا ۳۰ ساله) شهر هرات و شهرک‌های اطراف آن، از جمله انجیل (۴ کیلومتری جنوب شهر هرات)، گذره (۱۰ کیلومتری جنوب هرات)، غوریان (۶۴ کیلومتری غرب هرات)، پشتون-زرغون (۴۰ کیلومتری جنوب شرقی هرات) ضبط شده بودند. بعد از مدتی، در شهر سن‌پترزبورگ، مطالب متنوعی نیز از یک گویشور باسواد این گویش، که اهل روستای زیارتجای (۱۶ کیلومتری جنوب غربی هرات) بود و در آن زمان دانشجوی یکی از دانشگاه‌های آن شهر بود، ضبط شد. به‌منظور تعیین ماهیت تقابل‌های کمی مصوت‌ها، با کمک بخش آواشناسی دانشگاه سن‌پترزبورگ، تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از یک روش تحقیق آزمایشگاهی-تجربی انجام شد. مطالب مافوق به‌عنوان پایه‌ای برای بررسی جامع و پژوهشی عمل کردند که مؤلف مقاله حاضر در مورد گویش هراتی در تک‌نگری و مقالات خود، از جمله مقاله حاضر، انجام داده است.

### ۳. روش تحقیق

روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی، مثال‌های مربوط به گویش هراتی از متونی جمع‌آوری شده‌اند که نگارنده بر اساس مطالعات میدانی در افغانستان ضبط و در بعضی آثار علمی خود چاپ کرده است (۱۹۹۹ و غیره). چون به‌علاوه مثال‌هایی از لهجه هراتی که مؤلف بر اثر تحقیق میدانی به دست آورده است مقاله حاضر نیز شامل نمونه‌های زیادی از منابع چاپی مختلف پژوهشگران دیگر نیز هست و کوشش شده است که آوانویسی منابع مربوطه تا حد مقدور حفظ شود، بنابراین استفاده از آوانویسی یکسان در مقاله حاضر غیر عملی شده است. برای نمونه‌های گویش هراتی از آوانویسی‌ای استفاده شده است که در آثار ایران‌شناسان و لهجه‌شناسان معروف - ژ. لازار (۱۹۵۷)، ع. فرهادی (۱۹۵۵) و ر. زمردیان (۱۹۷۴) به کار رفته است (با اضافه شدن بعضی نویسه‌های خاص). برای فارسی کلاسیک همان نویسه‌گردانی به کار می‌رود که بیشتر برای آن زبان در آثار مرتبط مورد استفاده است.

### ۴. تحلیل داده‌ها و پژوهش

۱) در میان ویژگی‌های زبان «طبقات صوفیه»، و. ایوانوف به یک گرایش چشمگیر به استفاده از ضمائر شخصی به صورت ضمائر پیوسته (متصل) و همچنین به کاربرد وسیع ترکیباتی از حروف اضافه، حروف ربط و غیره با ضمیر سوم

شخص مفرد به صورت پیوسته اشاره می‌کند. این تمایل در حرف اضافه، حرف ربط یا ادات دیده می‌شود که با ضمیر سوم شخص مفرد به صورت پیوسته نوشته شده‌اند؛ و. ایوانوف حدس می‌زند که این پدیده ممکن است تا حدودی ناشی از برخی ویژگی‌های آوایی خراسانی باشد. قانع‌کننده‌ترین نمونه‌های این ترکیب‌ها در «طبقات الصوفیه» به قرار ذیل است: جزو، جززو، جنو (چون او)، همو، برو (برای او)، بازو (۱۹۲۳، صص. ۲۳، ۳۳، ۳۶۲). همه اینها ترکیباتی از حرف اضافه، حرف ربط یا ادات: (juz, bā/bāz, barāyi, čun, ham) و ضمیر سوم شخص مفرد:  $\bar{u}/\bar{o}$  هستند که ضمیر شخصی جدا در آن‌ها به صورت ضمیر پیوسته به کار رفته است. علاوه بر این، جززو ظاهراً یک ترکیب سه‌گانه است، زیرا آن دارای حرف اضافه «از» نیز می‌باشد:  $juz + az + \bar{u}/\bar{o} > juzz\bar{u}/\bar{o}$ .

یکی از ویژگی‌های بارز گویش هراتی امروزی (که در سایر گویش‌های خراسانی کمتر دیده می‌شود) استفاده از ضمائر سوم شخص مفرد و جمع و همچنین ضمیر اشاره به صورت ضمائر پیوسته است. در هراتی، این‌ها به‌طور کامل جایگزین ضمائر سوم شخص:  $-e\check{s}/-a\check{s}, -e\check{s}\bar{a}n$  - شده‌اند. ضمائر سوم شخص هنگامی که به صورت پیوسته به کار می‌روند، بدون تکیه صدا تلفظ می‌شوند و می‌توانند دچار بعضی تغییرات کمی و کیفی شوند مانند تبدیل مصوت  $/i/$  به  $/\hat{e}/$ ،  $/\hat{e}/$  به  $/\hat{e}n\hat{a} (<inh\hat{a})/$ ،  $-e\check{s}$ ،  $-e\hat{e}$ ،  $-e\hat{e}n\hat{a}$  - علت این تغییر را باید تأثیر "n" دانست، زیرا  $-i$  به احتمال قوی از ضمیر اشاره  $in$  نشأت گرفته است.<sup>۲</sup>

ضمیر پیوسته  $-u$  می‌تواند به صورت بازتر تلفظ شود؛ درحالی‌که هر دو  $-i$  و  $-u$  به میزان قابل توجهی کوتاه شده به صداهای غیرهجایی تبدیل شوند:  $-\bar{u}$ ،  $-i$ ،  $-\bar{o}$ ، نوع بازتر ( $-o$ ) احتمالاً به تلفظ قدیمی این ضمیر:  $\bar{O}$  «او» در فارسی کلاسیک برمی‌گردد. هر دو  $-o$ ،  $-u$  می‌توانند با علامت اضافه به کار بروند:  $-e\check{o}$ ،  $-e\check{u}$ . ضمائر مورد بحث در تمام نقش‌های دستوری با  $-e\check{s}\bar{a}n$  یا  $-e\check{s}/-a\check{s}$  در فارسی معیار مطابقت دارند:

۱. در اینجا و جاهای دیگر رونویسی و ترجمه نمونه‌هایی از رساله «طبقات الصوفیه» (مگر اینکه خلاف آن ذکر شده باشد) از آن من است.

۲. این ضمیر پیوسته  $-i$  در بعضی از گویش‌های ایرانی زیرگروه جنوب غربی که به ضمیر شخصی جدا/اشاره «ای/این» بر می‌گردد، نباید با ضمیر شخصی  $-i$  در برخی از زبان‌ها و گویش‌های زیرگروه شمال غربی و گروه شرقی ایرانی (بلوچی، کردی، پامیری و غیره) که منشأ متفاوتی دارد، اشتباه شود. مصوت  $/i/$  در گویش هراتی می‌تواند تحت تأثیر  $/n/$  به صورت مصوت بازتر در بیاید. برای جزئیات بیشتر به مقاله ما [Ioannesyan ۲۰۲۱](#) رجوع کنید.

جدول ۱: کاربرد ضمایر پیوسته در گویش هراتی

فارسی معیار	گویش هراتی
ضمیر پیوسته دارای معنی تعلق اسم به شخص یا چیز می‌باشد:	
گاوچران گیج شد، رنگش پرید	<i>göučarun vârxatâ šod, rang-i parid</i>
این سیمرخ دید که جوجه‌هایش قارقار می‌کنند	<i>i simorğ did ke jujâhâ-yü<sup>1</sup> ġarğar mikaše</i>
دهان آن‌ها/دهانشان کاملاً باز (شده) بود (از تعجب)	<i>dan-inâ wâ rafte bu</i>
ضمیر پیوسته جانشین مفعول مستقیم می‌باشد:	
این شاه‌عباس خیلی خشمگین شد (قهرش گرفت)	<i>i šâ Abbâsi xêli ġar-i ġerif</i>
شخص فقیر نمی‌تواند الاغم را بخرد مگر اینکه یک خان آن را بخرد	<i>čab âdam-e xân bexare-i, xar-em-ε âdam-e ġarib nemitune xaride</i>
ضمیر پیوسته جانشین فاعل می‌باشد:	
یکی از اسب‌هایم به زمین افتاد/زمین خورد، به سر سنگ که رسید، او/آن به زمین خورد	<i>yak asp-e mæ bæ zamin xor, bəm sar sang ke berasid-i bæ zamin xor</i>
از هر قوم و خویشی که دارد، از هر کدام چند قران (پول) جمع می‌کند (و) عروسی خود را برپا می‌کند	<i>ġöum-o xiš-ê ke dârε sar-ê čan ġârân-i loke mikona, arusi-ye xo-r bädöu mikone-i</i>

اگر پس از کلمه‌ای که ضمیر سوم شخص مفرد پیوسته دارد فعل ربط (رابطه) می‌آید، بین ضمیر مذکور و فعل ربط «ن» می‌تواند بازیابی شود:

۱. *âkem xod-i ni-ye, ġamândân ba jâ-in-ε*

حاکم خودش نیست، فرمانده ارتش به جای او/این (به جایش) هست

می‌توان حدس زد که به احتمال قوی کاربرد گسترده ترکیب‌های اضافی: اسم + علامت اضافه + ضمیر سوم شخص مفرد جدا، که توسط حرف اضافه «از» به هم می‌پیوندند، مانند:

۲. *zanâ-ye az i*

۱. صدای "y" در اینجا وقفه‌ای را جبران می‌کند که زمانی رخ می‌دهد که ضمیر به کلمه‌ای که به یک مصوت ختم می‌شود می‌پیوندد.



زن‌های این/ او،

۳. *jolâ az inâ*<sup>1</sup>

زین‌های آن‌ها،

۴. *a dud-ö kur miši* - قیاس کنید:

«از دودش کور می‌شوی» در تبدیل ضمائر شخصی جدا به ضمائر پیوسته کمک کرد. چنین ترکیب‌ها نه تنها در هراتی، بلکه در لهجه‌های منطقه دری به‌طور کلی کاربرد دارند. با این حال، حتی وجود چنین ترکیب‌های «انتقالی» با حرف اضافه «از» نمی‌تواند دلیل کلی برای تبدیل ضمائر شخصی جدا/ضمائر اشاره به ضمائر پیوسته باشد، زیرا اولاً همین ساختارها با «از» در سایر گویش‌های دری، از جمله کابلی، نیز به‌طور گسترده‌ای بدون اینکه کلاً جایگزین *-ešân*، *-eš* شوند به کار می‌روند، ثانیاً ضمائر شخصی پیوسته که از ضمائر شخصی جدا مشتق شده‌اند، در بعضی گویش‌های دیگر زیرگروه جنوب غربی در ایران و سرزمین‌های مجاور نیز دیده می‌شوند که از ترکیب‌ها با «از» استفاده نمی‌کنند. اکنون به این گویش‌ها می‌پردازیم.

استفاده گاه‌به‌گاه از ضمائر شخصی و اشاره به صورت ضمائر پیوسته در سایر گویش‌های خراسانی (در داخل ایران) دیده می‌شود، اما در آن گویش‌ها برخلاف هراتی، آن ضمائر پیوسته رایج‌تر از ضمائر *-aš* / *-eš*، *-ešun* (< *ešân*) نشده‌اند. در اینجا چند نمونه از گویش‌های مشهد و بیرجند هستند که از آثار ه مسسه (۱۹۲۵)، ز. عباسی (۱۳۹۴) و و. ایوانوف (۱۹۲۸) اقتباس شده‌اند:

جدول ۲: کاربرد ضمائر شخصی/اشاره به‌عنوان ضمائر پیوسته در گویش‌های مشهدی و بیرجندی

فارسی معیار	گویش‌های خراسانی
گویش مشهدی:	
- قوزی/قوزپشت به خواهش آن‌ها/خواهششان شروع به رقصیدن و معلق زدن کرد	<i>kuzi šeru' kârd bā mäyl-onâ bā raqsidân va mo 'llaq zâdân</i> (۸۴:۱۹۲۵)
- مردی که قوچ را خرید خیلی خوشحال بود که قوچی دارد که هیچ‌کس (قوچی) به‌خوبی آن ندارد	<i>märtükä ke guč-râ xârid xäylä xošhâl bud ke yäk guč dârä ke hičkä nädärä ba xubi-u</i> (۱۱۲:۱۹۲۵)

۱. علامت اضافه در بعضی موارد حذف می‌شود.

فارسی معیار	گویش‌های خراسانی
گویش بیرجندی:	
- گفت: نصف سر من (را برای شپش) جستجو کن؛ او همان نصف سرش را (دقیقاً) جستجو کرد	<i>guf: nusf-i sär-e mâ negah ku, i hamun nusfäy sär-i negâh ke<sup>1</sup></i> (۱۹۲۸: ۲۵۷)
- وقتی که او/آن (را) ذبح کردند (سر را بریدند) خواستند که شکمش (را) پاره کنند	<i>i sär ki buridän maastä ki iškäm-u pârä di</i> (۱۹۲۸: ۲۶۴)
- شوهرش هرروز با او اوقات تلخی داشت	<i>šohær-i har ruz xod-i o oqât tælxi mekerd</i> (۱۳۹۴: ۴۹)

استفاده از ضمایر شخصی (و اشاره) به صورت ضمایر پیوسته در گویش‌های ایرانی زیرگروه جنوب غربی که بسیار فراتر از گویش‌های فارسی خراسان است، پدیده نادری نیست. قیاس کنید لهجه فارسی سیستانی (از جمله گویشی که در شهر سرخس ترکمنستان امروزی رایج است):

«سر او» ( <i>on</i> ) «این؛ او» ( <i>-n</i> )،	<i>sar-n-a</i> .۵
«برادرش» ( <i>u</i> ) «او»،	<i>bré-y-u</i> .۶
«پسرش» و غیره ( <i>ä</i> : ۱۹۶۳: ۸۴).	<i>psé-y-u</i> .۷

وضعیت مشابهی در لهجه‌های تاتی قفقاز مشاهده می‌شود که در آن‌ها ضمایر سوم شخص مفرد پیوسته از ضمایر اشاره/شخصی جدا سرچشمه گرفته‌اند:

<i>bælÿq di ki kar i päs-ÿ</i> .۸	ماهی دید که کارش خوب پیش نمی‌رود (۱۹۶۳: ۳۹). (b)
-----------------------------------	---

این‌که ضمیر پیوسته در اینجا در اصل خود ضمیر شخصی جدای مربوطه است، نه تنها با این واقعیت که اولی از نظر آوایی با دومی یکسان است، بلکه با قیاس با سایر ضمایر پیوسته در لهجه‌های تاتی قفقاز که در آن‌ها همه ضمایر پیوسته مربوط به ضمایر شخصی جدای مربوطه هستند، تأیید می‌شود:

۱. آوانوسی اصلی اندکی تغییر داده شد.

جدول ۳: ضمایر پیوسته در تاتی قفقاز

تاتی قفقاز	فارسی معیار	تاتی قفقاز	فارسی معیار
<i>mænæ kitáb mæn</i>	کتابم	<i>mæn</i>	من
<i>tjɾæ kitáb tj</i>	کتابت	<i>tj</i>	تو
<i>kitáb i</i> لهجه‌های شمالی: <i>kitáb yu/ kitáb yj</i>	کتابش	<i>i</i> لهجه‌های شمالی: <i>u, j</i>	او
<i>kitáb mun</i>	کتابمان	<i>(i)mu(n)</i>	ما
<i>kitáb šmun</i>	کتابتان	<i>(i)šmu(n)</i>	شما
<i>kitáb šun</i> <u>(۱۹۶۳b: ۳۸-۳۹)</u>	کتابشان	<i>(i)šun</i>	آن‌ها
			ضمایر اشاره:
			این، آن
			<i>i(n).u(n)</i>

آ. گریونبرگ (مؤلف آثار مذکور) صدای [y] را قبل از ضمیر پیوسته (y/ɣy) بازمانده‌ای از علامت اضافه می‌داند. این بخش را با ذکر این نکته به پایان می‌رسانم که در نمونه‌های گویش تجریش که توسط و. ژوکووسکی منتشر شد، نگارنده این سطور به دو مورد از کاربرد ضمایر شخصی به صورت پیوسته برخورد کرد:

۹. *īn merd kúre, zen u káre.*

این مرد کور است، زنش کر است،

۱۰. *duó ĩnhó zud mustejób mégede.*

دعایشان زود مستجاب می‌گردد (۱۹۲۲، صص. ۳۹۵، ۳۹۶).

۲) اکنون به ویژگی دیگری از زبان «طبقات الصوفیه» که توسط و. ایوانوف مشاهده شده است، پردازیم: استفاده از «خود» (*xud(-i?)*) به‌عنوان حرف اضافه «با». از آنجایی که این حرف اضافه در مقاله قبلی مؤلف حاضر (۱۴۰۳، صص. ۲۴-۲۱) به‌طور مفصل مورد مطالعه قرار گرفت، مطلب مذکور را اینجا شرح مختصری خواهیم داد؛ و. ایوانوف در ابتدا این حرف اضافه را به اشتباه ضمیر مشترک «خود» دانست که به‌عنوان حرف اضافه به کار رفته است. وی در عین حال به طرز صحیح کاربرد وسیع آن را در گویش‌های فارسی کل خراسان، به‌ویژه در میان پارسیوان‌های افغانستان، اشاره کرد (۱۹۲۳، ص. ۳۳، همچنین پانویس ۲)؛ و. ایوانوف دو مثال از متن رساله می‌آورد:

۱۱؛ و خود هیچکس چون او نکويد - *va xud hič kas čun ū/ō nagōyad*

و او با هیچکس مثل او صحبت نمی‌کند،

۱۲. ارنه خود سه بودند - *ar na xud si/sa būdand*

اگر نه، جمعاً چهار نفر بودند (خود او و سه نفر دیگر) (ص. ۱۹۲۳، ص. ۳۳).

این حرف اضافه (نه ضمیر مشترک!) که ممکن است از نظر ظاهری در برخی از گویش‌ها به ضمیر مشترک شباهت داشته باشد، اکنون با تغییرات آوایی اندک در هراتی و دیگر گویش‌های فارسی خراسانی و همچنین در سیستانی و تعدادی از گویش‌های ایران مرکزی به‌طور گسترده‌ای کاربرد دارد. این واقعیت نشان می‌دهد که استفاده از این حرف اضافه فراتر از حوزه گویش‌های ایرانی زیرگروه جنوب غربی است. در هراتی، حرف اضافه مورد بحث معمولاً به صورت‌های آوایی: *xod-e/xodē/xod/xad-e/xadē* کاربرد دارد. به دو مثال اکتفا کنیم:

جدول ۴: کاربرد حرف اضافه *xod-e* در گویش هراتی

فارسی معیار	گویش هراتی
با او بسیار چپ است	<i>xod-e az i besyâr čap-e</i>
(مار را) با شمشیر زد و تکه‌تکه کرد آن را	<i>xod-e šamšêr zad-o ke palağtēpalağtē kad un-o</i>

استعمال این حرف اضافه در گویش‌های خراسان ایرانی به صورت: *xud/xod/xot/xude* توسط آثار و. ایوانوف تأیید شده بود. به قول او، در شهر سبزوار خراسان می‌توان عبارت *xot mu* به معنی «با ما» را شنید (ص. ۱۹۲۳، ص. ۳۳). ج. رضایی در کتاب خود راجع به گویش بیرجندی خاطر نشان ساخته است که این "حرف اضافه (خُد) *xod* که معنی «با» می‌دهد" را نباید با ضمیر اشتباه کرد و اگر آن ضمیر در گویش بیرجندی بدون نقش‌نمای اضافه باشد از لحاظ تلفظ با حرف اضافه مورد بحث متفاوت و قابل تشخیص است، چنانچه به شکل (*xō/xo*) می‌باشد (ص. ۱۳۷۷، صص. ۲۰۸-۲۰۹). به دو مثال از گویش بیرجندی اکتفا کنیم:

جدول ۵: کاربرد حرف اضافه *xod* در گویش بیرجندی

فارسی معیار	گویش بیرجندی
محمّد با اکبر دوست جان جانی‌اند	<i>Mammad xod Agbar dust-e jōnā jōniyan</i> (۱۳۷۷: ۲۲۵)
با ما بیا	<i>xod mā beyā</i> (۱۳۷۷: ۲۳۵)

حرف اضافه *xe* که معنی «با» می‌دهد در گویش فارسی سیستانی به احتمال قوی فرم محلی عین حرف اضافه است:

۱۳. *ay, aga bābē mā fāhma, xe mā davā menā.*

خوب، اگر پدرم بفهمد، با من دعوا می‌کند (۱۹۶۳، صص. ۷۹، ۸۲).

در لهجه‌های زرتشتیان ایران مرکزی، حرف اضافه به صورت‌های زیر وجود دارد:

*xad xado xadi xat* و غیره.

جدول ۶: کاربرد حرف اضافه *xado*، *xad* در لهجه زرتشتی

فارسی معیار	لهجه زرتشتی (کرمانی)
بالاخره با خودش گفت	<i>axer kār xat xad-ūš ūš vāt</i> (۱۹۳۷، ص. ۶)
که تا آخر عمر ما با هم رفیق باشیم	<i>ki tā āxire omr mo xado ham rafiq bim</i> (۱۹۳۷، ص. ۱۱)

چنانچه "فرهنگ کرمانی" م. ستوده نشان می‌دهد، کاربرد حرف اضافه مورد بحث به لهجه زرتشتیان کرمان (یا یزد) محدود نیست و آن در گویش فارسی کرمانی به صورت: *xod* نیز رایج است، مثلاً خود دلبر "با دلبر"، خود کی رفتی؟ "با کی رفتی؟" (۱۳۳۵، ص. ۶۹). همین حرف اضافه در گویش لار نیز ثبت شده است:

۱۴. <i>xūdi hām</i>	«با هم»
۱۵. <i>xūdi šāitūn</i>	«با شیطان»
۱۶. <i>xūdi dil</i>	«با دل» (۱۹۴۵، صص. ۵۹، ۶۳، ۶۶، ۸۱).

در گویش یهودیان اصفهان آن هم کاربرد دارد:

جدول ۷: کاربرد حرف اضافه *xode* در گویش یهودیان اصفهان

فارسی معیار	گویش یهودیان اصفهان
با دو نفر معلم از پاریس	<i>xode dita mo 'älleme Parisi</i>
من با زخم دعوا کردم	<i>dä 'vámun bo xóde jänom</i> (صص. ۱۹۳۶، ۳۴، ۶۷)

۳) و. ایوانوف همچنین به ویژگی دیگری از زبان «طبقات الصوفیه» اشاره می‌کند: استفاده از پسوند فعلی *-i/-ê* که احتمالاً علامت فعل استمراری است که در متون کلاسیک فارسی به شکل *(ê)(δ)*- دیده می‌شود. این پسوند در رساله مذکور به هر دو شکل *(به صورت êδ و به صورت ê)* یافت می‌شود:

هر کس که زیارت وی شدی بوی آمدی ویرا بدیدی و آنچه خواستید برسیدید (صص. ۱۹۲۳، ۳۴۸-۳۵۲)

har kas ki ba ziyarat-i vay šudê ba vay āmađê vay-rā bidīdê va ānci x<sup>v</sup>āstēđ bipursidēđ. ۱۷

هرکس که به زیارت او می‌رفت پیش او می‌آمد، او را می‌دید و آنچه می‌خواست می‌پرسید.

کاربرد این پسوند در یک متن کلاسیک با توجه به گسترش وسیع آن در آثار ادبی دوران مربوطه (صص. ۱۹۶۳، ۳۲۷-۳۴۰) نکته قابل‌ذکری در اینجا نبود اگر پسوند مورد بحث که معمولاً «قدیمی» محسوب می‌شود، در گویش‌های خراسانی، به‌ویژه در هراتی تا به امروز حفظ نشده بود.

آن پسوند در نمونه‌هایی از گویش هراتی که توسط مؤلف مقاله حاضر در افغانستان ضبط شده‌اند محدود به مواردی است که آن برای بیان فعل شرطی یا عمل غیرواقعی به کار رفته است و به صیغه ماضی ساده سوم شخص مفرد پیوسته است:

جدول ۸: کاربرد پسوند *-i/e* در گویش هراتی

فارسی معیار	گویش هراتی
اگر کسی مقدار کمی پنبه داشت، تمام پولش [که از فروش پنبه‌اش به دست می‌آمد] در راه [بازگشت به خانه] تمام می‌شد	<i>agə kas-i kampaxte budi, kol-e pul-eü xalâs mišod bəm rā</i>

فارسی معیار	گویش هراتی
اگر قروت و کره نمی‌بود، از آن‌ها روغن زرد (= روغن حیوانی/روغن کرمانشاهی) می‌خریدیم	<i>age gorut-o maske <u>nabudê</u> az unâ ruğan zard mixaridim</i>
کاش ارومی [با خودمان] بود، حالا سیب می‌آورد	<i>kâške Arumi <u>budi</u> ke inâl sêbâ <u>bryâwordi</u></i>

و. ایوانوف به استفاده از این پسوند با فعل ربط نیز اشاره می‌کند:

جدول ۹: کاربرد پسوند *ê* با فعل ربط در «طبقات الصوفیه»

فارسی معیار	آوانویسی	نمونه‌هایی از «طبقات الصوفیه»
اگر [در دعا] تو نمی‌گفتی، ص. "خدای ما"، تمام بغداد می‌سوخت (اگر آن نبود که تو می‌گفتی...)	<i>ar na ân-<u>astê</u> ki tu mēgōyī allāh-i mā hama Baydād bisōxtêd</i>	۳۱. از نه آنستی که تو می‌گویی الله ما همه بغداد بسوختید (۱۹۲۳، ص. ۳۵۳)
اگر این علما بد نبودند...	<i>agar in 'ulamā bað nīstandī</i>	۳۲. اگر این علما بد نیستندی (۱۹۲۳، ص. ۳۵۴)

در هراتی امروزی این صیغه‌ها نیز کاربرد دارند:

<p>۱۸. <i>morda <u>asti</u>, xâk-erâ morda astâ, nemifami mard as yâ zan <u>asti</u>, gadvad <u>asti</u>.</i></p> <p>مرده است، زمین مرده [به نظر می‌رسد]، شما نمی‌فهمید که مرد [در مقابل شما] یا زن است، [همه چیز] گیج است.</p>
---

منشأ *-i* در چنین مواردی که آن به *asti* (سوم شخص مفرد فعل ربط) متصل می‌شود کاملاً مشخص نیست. می‌توان آن را ضمیر سوم شخص مفرد نیز دانست که به عنوان ضمیر پیوسته جانشین فاعل به کار رفته است و در ابتدای مقاله حاضر مورد بحث قرار گرفت. با وجود این، نمونه‌های متعدد پسوند فعلی *-ê* در آثار اوائل قرون وسطی، از جمله «طبقات الصوفیه»، دال بر آن است که *asti* مذکور در هراتی امروزی به احتمال زیاد حاوی همین پسوند است.

در گویش‌های فارسی جنوب خراسان ایران: گویش‌های بیرجند و قاین، پسوند فعلی *-i/-ê* نیز مشاهده می‌شود،

چنانچه از بررسی آثار و. ایوانوف (۱۹۲۸) و ج. رضایی (۱۳۷۷) برمی‌آید:

جدول ۱۰: کاربرد پسوند /e/ در گویش بیرجندی

فارسی معیار	گویش بیرجندی
وجه اخباری:	
بعدش او (الاغ) با دل شکسته (= ناامیدانه) می‌گوید	<i>bād iš bā dīl-e numid-āš <u>mavedi</u></i> (۱۹۲۸، ص. ۲۷۱)
زن غذا (را) آورد (و) گفت: "انگار شکمم ... خود (را) انداخت (روی زمین و ناله / فریاد) می‌کشید"	<i>zān gāzā biāwūrdā guf ki men dardi šikām-um xud partōu" <u>mikašidi</u></i> (۱۹۲۸، ص. ۲۶۹)
بعد او یک جوال‌دوز به مشکش زد بطوری که (از آن) آب فواره می‌زند	<i>bad yek jāwālduz wā māšk-eš zā ki ōu <u>mešaredi</u></i> (۱۹۲۸، ص. ۲۶۹)
وجه التزامی:	
دید که او دیگر (پراز) آب کرد تا کاجی ببزد، او آرد را خمیر کرد تا کماج ببزد	<i>dī ki gālef-i āw-eš kār ki kaači mipeze, ārd'am xamir-eš kā ki kumāš <u>bepezedi</u></i> (۱۹۲۸، ص. ۲۶۹)
یک روزی، یک چارپایی در چمن‌زار رها شد که بچرد	<i>yak ruz-i yak čār-wā-yi tu ulangi sar dādā šu ki <u>bečarādē</u></i> (۱۹۲۸، ص. ۲۷۰)
این زن لارخان می‌خواست که او را بکشند	<i>i zān-e Lar-Xān mixās ki u-r <u>bukušāndē</u></i> (۱۹۲۸، ص. ۲۶۷)

کتاب ج. رضایی نمونه‌های مشابهی را از گویش بیرجندی ارائه می‌کند:

می‌رود،	۱۹. maravedi
برود؛	۲۰. berede
می‌برد،	۲۱. mabarede
ببرد و غیره (۱۳۷۷، ص. ۲۸۱، ۲۸۲).	۲۲. bebarede

این واقعیت که همه این موارد حاوی پسوند مورد بحث هستند، با وجود شکلی کاملاً مطابق با نمونه‌های گویشی فوق در متون قرون وسطی اولیه تأیید می‌شود:

۲۳. . . . agar paiyāmbār i xuḏāy astē mē dānaḏē ki uštūr kujā ast

اگر پیغامبر خدا بود می‌دانست که شتر کجا است (۱۹۶۳، ص. ۳۳۵).

در مثال اخیر (mē dānaḏē) استفاده از پسوند مذکور را نمی‌توان زیر سؤال برد.



## ۵. نتیجه‌گیری

زبان متن قرون وسطی اولیه «طبقات الصوفیه» که خصوصیات آن توسط ایران‌شناس برجسته و. ایوانوف مورد مطالعه همه‌جانبه قرار گرفت، منعکس‌کننده تعدادی از ویژگی‌های اساسی گویش هراتی آن زمان است. این ویژگی‌ها نه تنها در هراتی، بلکه در سایر گویش‌های خراسانی تا به امروز حفظ شده‌اند؛ در حالی که در خارج از خراسان در برخی از گویش‌های دیگر فارسی و گویش‌های ایرانی زیرگروه جنوب غربی و ایران مرکزی نیز دیده می‌شوند. این ویژگی‌ها شامل استفاده از ضمیر سوم شخص/ضمیر اشاره به صورت ضمیر پیوسته، استفاده از حرف اضافه xod/xode (با انواع آوایی مختلف) به معنی "با"، کاربرد پسوند فعلی /-i/-ê- که وجود آن در متون قرون وسطی اولیه به‌عنوان "پسوند استمراری" گواهی شده است، می‌باشند. اکنون سعی کنیم که منطقه جغرافیایی این ویژگی‌ها را مشخص کنیم.

اولین ویژگی (ضمایر پیوسته) که منحصر به گویش‌های زیرگروه جنوب غربی است، نه تنها در هراتی و دیگر گویش‌های فارسی خراسانی، بلکه در سیستانی، گویش تجریش و لهجه‌های تاتی قفقاز نیز وجود دارد. در برخی از گویش‌های مذکور مانند هراتی، سیستانی و تاتی آن ضمایر به‌عنوان تنها ضمایر سوم شخص مفرد یا جمع پیوسته کاربرد دارند و در بقیه، مانند اکثر گویش‌های فارسی خراسان، ضمایر مزبور به‌طور کامل جانشین *es/äs*- و *esün* نشده‌اند و با آن‌ها قابل تعویض هستند.<sup>۱</sup>

دومین ویژگی (استفاده از حرف اضافه) که فراتر از مرزهای حوزه زبانی جنوب غربی است، نه تنها در هراتی و دیگر گویش‌های فارسی خراسان و سیستان و کرمان، بلکه در گویش‌های زرتشتیان ایران مرکزی، گویش‌های فارسی یهودیان منطقه اصفهان و گویش لاری وجود دارد.

سومین ویژگی (پسوند فعلی) در محدودترین منطقه جغرافیایی وجود دارد که فراتر از حوزه زبانی خراسانی نمی‌رود و متشکل از گویش‌های فارسی هراتی و خراسانی در ایران می‌باشد.

۱. افزودن گویش بندرعباس (بندری) به این فهرست گویش‌ها و لهجه‌ها بسیار وسوسه‌انگیز خواهد بود، که در آن ضمیر پیوسته *-i* نیز ممکن است به ضمیر اشاره/شخصی *i* برگردد: *ü xod-i/xod-uš* "او خودش" (قیاس کنید: *u xod-i* با عین معنی در هراتی)، *šüv-i/šüv-es* "شوهرش" (۱۹۹۸: ۱۱۳، ۱۱۴). با این حال، این موضوع نیاز به مطالعه بیشتری دارد.

## کتابنامه

- ایوانسیان، ی. (۱۴۰۳). بعضی ویژگی‌های تمایزبخش مهم گویش‌های خراسانی زبان فارسی از گویش‌های گروه افغانی و تاجیکی. *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۳۴، ۱-۲۸.
- رضایی، ج. (۱۳۷۷). بررسی گویش بیرجند: واج‌شناسی - دستور. انتشارات هیرمند.
- عباسی، ز. (۱۳۹۴). نمود واژگانی افعال مرکب در گویش بیرجندی. *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۱۳، ۳۹-۶۰.
- ستوده، م. (۱۳۳۵). فرهنگ کرمانی. تهران.
- Abrahamian, R. (1936). *Dialectes des Israélites de Hamadan et d'Ispahan et dialecte de Baba Tahir*. Paris: Librarie d'Amerique et d'Orient.
- Farhâdi, A. (1955). *Le Persan Parlé en Afghanistan. Grammaire du Kâboli: Accompagnée d'un Recueil de Quatrains Populaire de la Région de Kâbol*. Paris: Centre National de la Recherche Scientifique.
- Grünberg, A. (1963a). *Seistanskiy Dialect v Serakhse. Kratkiye Soobsheniya Instituta Narodov Azii. Vostochnaya Literatura* 67, 76-86.
- Grünberg, A. (1963b). *Yazyk Severo-Azerbayjanskikh Tatov*. Leningrad: Academy of Sciences Publishers.
- Ioannesyan, Y. (1999). *Geratskii dialect yazyka dari sovremennogo Afganistana*. Moscow: Vostochnaya literatura.
- Ioannesyan, Y. (2021). On the origin of a peculiar pronominal enclitic in some Iranian dialects. *Quarterly Journal of Language and Inscription* 4(4), 50-61.
- Ivanow, W. (1923). *Tabaqat of Ansari in the Old Language of Herat. Journal of the Royal Asiatic Society. Cambridge: Cambridge University Press* 55, 1-34, 337-382.
- Ivanow, W. (1928). *Persian as Spoken in Birjand. Journal and Proceedings of the Asiatic Society of Bengal. Calcutta: Asiatic Society of Bengal* 24, 237-351.
- Ivanow, W. (1937). *The Gabri Dialect Spoken by the Zoroastrians of Persia. Rivista degli studi orientali. Roma: Tipografo della R. Accademia d'Italia* 17, 1-39.
- Lazard, G. (1957). *Grammaire du Persan Contemporain*. Paris: Klincksieck.
- Lazard, G. (1963). *La Langue des plus Anciens Monuments de la Prose Persane*. Paris: Librairie C. Klincksieck.
- Massé, H. (1925). *Contes en Persane Populaire Recueilles et Traduits. Journal Asiatique. Paris: Librairie Orientaliste Paul Geuthner* 206, 71-157.
- Pelevin, M. (1998). *Dialect Bandari Yuzhnogo Irana. Strani i Narodi Vostoka. Sankt-Peterburg: Peterburgskoye vostokovedeniye*, 305-310.
- Romaskevitch, A. (1945). *Lar i Ego Dialect. Iranskiye Yaziki. Moscow-Leningrad: Izdatelstvo Akademii Nauk*, 31-86.
- Zhukovskiy, V. (1922). *Materiali dlya Izucheniya Persidskikh Narechiy. Part 2. Dialekty Polosy Goroda Semnana etc. Petrograd: Printing house of the Russian Academy of Sciences*.
- Zomorrodian, R. (1974). *Le Système verbal du Persan parlé à Qâyen. Studia Iranica* 3, fasc. 1.